

گسترش روابط تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و کانادا:

گامی به سوی توسعه اقتصادی متقابل

از: دکتر مجید قاسمی

روزششم مهرماه سال جاری سمینار اتاق بازرگانی ایسراکانادا در محفل اتساق ایران و با حضور جمعی از مسئولین کشور برگزار گردید. در این سمینار آقای دکتر قاسمی قائم مقام وزارت نیرو و مطالب مبسوطی پیرامون روابط ایران و کانادا ایراد کرد که بعد از آن اهمیت مطالب و ارتباط آن با مسائل بازرگانی روز بروز آن شدیم این مطالب را به صورت جداگانه منظر خوانندگان برسانیم.

روابط تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و کانادا سابقه ای دیرینه دارد. آثار ثبت سفارش سه ماهه اول سال ۱۳۷۳ نشان می دهد که حدود ۶ درصد از ثبت سفارشی انجام شده مربوط به کشور کانادا بوده است. این امر نشان می دهد که خریدهای ما از کشور کانادا سیر صعودی داشته است. طی دهه گذشته نیز واردات ما از کانادا حدود ۲ درصد کل واردات کشور را تشکیل می داد و مورتورود کالا از این کشور ثبات نسبی نشان داده است.

صادرات ما به کشور کانادا به طور عمده نفت و فرش است. محصولات کشاورزی و خشکبار هم به کانادا فرستاده می شود. با در نظر گرفتن نفت، دو کشور از لحاظ سهم کشور متقابل در کل تجارتشان موضع مشابهی را بدست می آورند. هر چند که میزان صادرات ما به کشور کانادا به مراتب کمتر از رقم وارداتمان از این کشور است.

پیش از آن که به تحلیل دقیقتر ماهیت تجارت بین دو کشور بپردازم، لازم می دانم بحث مختصری داشته باشم که چرا تجارت بین دو کشور می تواند مفید باشد.

نگاهی به اقتصاد کانادا نشان می دهد که این کشور از شروع دهه ۱۹۹۰ به ممر حلیمر کود پا گذاشته و از آن زمان تا به امروز نرخ رشد اقتصادی آن به سیر طبیعی بازنگشته. گرچه در ماههای اخیر اقتصاد این کشور حرکتی را آغاز نمود ماست. محدود شد منسوخ

رشد ظرفیت تولید را در کانادا در حدی پایین تر از توان بالقوه کشور قرارداد داده است. این وضع بدون تردید روی اشتغال در کانادا اثر گذاشته و استفاده از نیروی کار را محدود ساخته است.

به این ترتیب، شرکتها رغبت کمتری به استخدام از خود نشان می دهند و عدم اطمینان نسبت به آینده کاری سبب بالا رفتن احتیاط افراد در هزینه کردن درآمد هایشان می گردد. به این ترتیب دید می شود که به قدری تقاضا در بازار کاهش یافته است. پائین باقی ماندن تقاضا هم عاملی است که سود شرکتها را پایین آورده و واقف کسب و کار را تیره ساخته است. شاید عراق نباشد اگر گفته شود که افت درآمد

خالص ملی سرانه کمتشان دهنده افت سطح زندگی است. یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی کانادا به شمار می آید و در وضعیت حاضریکی از بهترین راههای ترمیم این ضایعه گسترش تجارت و بسط بازارهای تقاضا برای مصنوعات و محصولات کانادایی است. گسترش تجارت کانادا با کشورهای دیگر سبب می شود که درآمد مورد نیاز برای بالا بردن قدرت خرید بیرون جامعه تریق شود و در عین حال تعهدی برای شرکتهای کانادایی به وجود نیاید که پیش از گسترش بازارشان نیروی کار جدیدی را استخدام نمایند.

حسن دیگر گسترش بازار تقاضا این خواهد بود که فرصتی به وجود خواهد آورد که در آن بودجه لازم برای تحقیق و توسعه فراهم گردد. کانادا از لحاظ داخلی یکی از پایین ترین نرخ هزینه ها را در گروه ۷ به خود اختصاص داده است. این در حالی است که کشورهای صنعتی به خوبی می دانند که میسارت در عرضه کالاهای منکی به دانش فنی برتر عامل مشخصی در سرعت بخشیدن به درجه توسعه یافتگی است. در حال حاضر کانادا در زمینه صادرات مصنوعات منکی به دانش فنی برتر در مرتبه نسبتا

خوبی در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی قرار گرفته است.

از این مختصر چنین بر می آید که با زارت تقاضا برای آن دسته از کالاهای کانادایی که دانش فنی برتر تکیه دارند، باید گسترش یابد تا انگیزه های برای گسترش تحقیق و توسعه باشد. بازارهای جدید بدون تردید در این زمینه راهگشا خواهد بود.

نگاهی به وضع بودجه ای کانادا نشان می دهد که از اوایل دهه ۹۷ بودجه دولت فدرال پیوسته کسری داشته است. بطوریکه امروز کسری بودجه به یک مشکل ملی مبدل شده است.

طی دهه گذشته، مجموع بدهیهای ایالتی و فدرال به ۲/۵ برابر رسیده است. نسبت خالص بدهی دولتی به محصول ناخالص داخلی در کانادا در بین گروه ۷ فقط از ایتالیا پایین تر است. در همین چارچوب دید می شود که بدهیهای خارجی کانادا از تمام کشورهای گروه ۷ بیشتر است. همواره باید دلایلی باشد که کانادا را راغب سازد تا به تجارت خارجی اولویت بدهد و در زمینه رسیدن به بازارهای جدید تمام تلاش خود را بکار گیرد.

اقتصاد جمهوری اسلامی ایران هم می تواند با استفاده از تجارت به درجه توسعه یافتگی خود کمک کند. نگاهی به تحولات محصولات ناخالص داخلی کشور طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که بخش نفت نقش مهمی در رشد اقتصادی کشور داشته است. سهم بخشهای تولیدی در طول برنامه از ۱۳/۷۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۵/۲۸ درصد در سال ۱۳۷۲ رسیده است.

تحلیل روند پس اندازها و هزینه های نیمه بنویه خود روشنگر است. پس انداز ناخالص ملی واقعی به قدری سیر صعودی به خود می گیرد و شکاف بین خالص پس انداز داخلی و سرمایه گذاری در طول زمان رو به

کاهش می‌گذارد. اگر تلاشهای لازم و همه‌جانبه در جهت تدارک زمینه‌سالمی برای سرمایه‌گذاری تداوم یابد، پس انداز ملی با سرعت بیشتری برای تأمین نیازهای سرمایه‌گذاری ملی تجهیز خواهد شد.

چنین روندی در صورت وضعیت بسیار مطلوبی رادربیی خواهد داشت شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که جمهوری اسلامی ایران، برخلاف اکثر کشورهای در حال توسعه، از کمبود بالقوه منابع ملی رنج نمی‌برد. با این اوصاف، بمنظر می‌رسد که در صورت برنامه‌ریزی جدی برای تجدید ساختار اقتصاد، توان بالقوه موجود در بخش تولیدی بتواند زمینه‌ساز بسیار مساعدی را برای تداوم بخشیدن به یک رشد پایدار فراهم سازد. در این چارچوب است که وجود روابط تجاری متکی بر بینشی درازمدت می‌تواند برای توسعه اقتصاد کشور ما مفید واقع شود.

در بخش صنعت، بررسی وضعیت اقتصادی ملی نشان می‌دهد که تلاشهای همه‌جانبه‌ای برای ساختاری کردن اولویت‌های بخش صورت پذیرفته است. علیرغم تمام این تلاشها، تردیدی نیست که هنوز الگوی رشد صنعتی ما بمرحله‌ای کامل نرسیده است. حال نیاز به بهسازی ساختاری کشور به وضوح مشهود است و دید برش مجموعه‌های متکی به دانش فنی نوپویا به یقین می‌تواند در این زمینه بسیار موثر باشد. برنامه‌مدوم نیز بر کار برد دانش فنی ناکیستی همه‌جانبه دارد.

در بخش نفت و گاز، کشور ما با ذخایر ثابت شده ۹۳ میلیارد بشکام می‌تواند تا مدتی نسبتاً "طولانی برد ریافتی‌های ارزی این بخش تکمیل‌اشته باشد. توسعه اقتصاد در بخش نفت و گاز نباید فقط به صدور نفت خام محدود شود، ما می‌خواهیم توانایی برآورد هساختن نیازهای روبره رشد اقتصاد داخلی مان را داشته‌باشیم. این امر یعنی تاکید بیشتر بر استفاده از پالایشگاههای داخلی و افزایش کارآیی در صنعتی پالایش است. ما امیدواریم بتوانیم میزان مصرف کل انرژی را کاهش دهیم. نیاز به منوسازی دانش فنی در زمینه فعالیت‌های نفتی تلاش همسسه جانبی‌ای را می‌طلبد که باید نیروهای ملی را به خود جذب کند.

در کنار این حرکت، دریافت پیشنهادت سازنده از طرف شرکای تجاری، با استقبال ما مواجه خواهد

گشت.

در مورد صنعت انرژی، فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران فقط به نفت محدود نمی‌شود. کشور ما از نظر ذخایر گاز طبیعی نیز بسیار غنی است. آماره‌های بین‌المللی ما از لحاظ ذخایر گاز در مرتبه دوم جهان قرار می‌دهد و جمهوری اسلامی ایران با داشتن حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب ذخایر گاز وجود ۲۰ درصد از کل ذخایر جهان را در اختیار دارد. تکمیل چنین ثروتی برای تبدیل یک مجموعه ثروتی پیاپی پذیره به یک مجموعه ثروتی پیاپی ناپذیر بود و تردیدی یکی از هدف‌های اصلی ما در برنامه‌ریزی‌های ملی محسوب می‌شود.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که بیش از ۵۵ درصد از گاز طبیعی تولید شده کشور به مصرف داخلی می‌رسد. با وجود این، هنوز توان بسیاری برای جایگزینی گاز طبیعی بجای سایر انواع انرژی مصرفی وجود دارد. بررسی دقیق نقاط قوت و ضعف ما در این زمینه می‌تواند کمک موثری در تحکیم پایه‌های رشد اقتصاد کشور باشد.

در صنعت برق هم بطور نمونه حدود ۱۶۰۰ مگاوات پتانسیل برق آبی در کشور وجود دارد که فقط ۲۰۰ مگاوات آن به بهره‌برداری رسیده است و در حال حاضر مشغول برنامه‌ریزی و اجرا ۱۴۰۰ مگاوات بقیه هستیم. در مورد فعالیت‌های صنعتی و معدنی فعالیت‌هایی نظیر واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی به قصد افزایش کارآیی عملکردها و یک واحد ها از حدود چهار سال پیش آغازگشته است. دولت قصد دارد تا بر سرعت انتقال این واحدها بیفزاید و زمینه‌ساز عدتری را برای فعالیت‌های خصوصی در اقتصاد فراهم سازد. در حقیقت واگذاریها، کشور ما تجربه‌ای ویژه مانده‌است و اکنون می‌خواهد با بهره‌گیری از این تجارب و کاربرد روشهای موفق سایر کشورها، کارآیی جریان واگذاری فعالیت‌های اقتصادی را به بخش خصوصی افزایش دهد. ادغام وزارتخانه‌های صنعتی گامی در جهت اصلاح ساخت جریان کنترل دولت برای فعالیت‌های صنعتی به شمار می‌رود.

عملکرد رشته‌های مختلف صنعت در طول برنامه یکسان نبوده است. در مورد صنایع کالاهای مصرفی انتظار می‌رفت نرخ متوسط سالانه رشد در طول ۵

ساله برنامه اول توسعه ۵/۲ درصد باشد، در حالیکه در طول برنامه منرخ متوسط رشد به ۶/۶ درصد رسال رسیده است. نرخ پیش بینی شده در برنامه برای صنایع واسطه‌ای ۲۰ درصد رسال بود، در حالی‌که نرخ واقعی در طول برنامه ۵/۵۰ درصد رسال رسید. برنامه‌های صنایع کالاهای سرمایه‌ای نرخ متوسط رشد سالانه ۱/۲۴ درصد را در نظر داشت، در حال که عملکرد واقعی این صنایع نما یا نگر نرخ متوسط رشد ۲/۱۵ درصد بوده است.

ارزش افزوده ه شاخه‌های مختلف فعالیت صنعتی حکایت از وجود پتانسیلهای خوبی در اقتصاد دارد. ارزش افزوده صنایع کالاهای مصرفی از ۱/۵۷۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۳/۰۳۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ افزایش یافت. میزان این رشد برای صنایع کالاهای واسطه‌ای صنعتی از ۵/۹۷۴ میلیارد ریال به ۹/۶۳۲ میلیارد ریال برای صنایع کالاهای واسطه‌ای غیر صنعتی از ۳/۳۹۵ میلیارد ریال به ۸/۷۹۹ میلیارد ریال به ۶/۳۳۸ میلیارد ریال بوده است. در نتیجه این تحولات، ارزش افزوده صنعتی کشور از ۴/۰۲۵ به ۲۰/۴۶۵ میلیارد ریال رسیده است و این واقعیت کلارزش افزوده صنعتی کشور در طول دوره برنامه معیضان ۱/۷۱ درصد افزایش یافته نمایانگر آن است که پتانسیل زیاد در کشور برای غلظت‌مندان به سرمایه‌گذاری وجود دارد.

جمهوری اسلامی ایران در زمینه فعالیت معدنی و اکتشاف معادن جدید پارا از اهداف برنامه توسعه پنجساله فرا تر نهاد و این امر در مورد تولید فلزات عمدتاً از قبیل سنگ آهن و مس نیز صادق بوده است. تولید فولاد و آلومینیوم بیش از اهداف مورد نظر برنامه بوده است. بطور کلی فعالیت معدنی در فهرست اولویت‌های برنامه‌ریزان کشور قرار داشته است و کماکان منبع مهم رشد در کشور تلقی می‌گردد. ما از نوسازی فنی در زمینه فعالیت معدنی استقبال می‌کنیم و علاقمندیم با کشورهای پیشرفته در این زمینه همکاری‌های فنی داشته‌باشیم.

در بخش کشاورزی، سهم این بخش به محصلول ناخالص داخلی کشور بطور متوسط ۲۶/۸۲ درصد در طول پنجسال گذشته بود. ما ست. این سهم روندی نزولی اما کم و بیش با ثبات داشته‌است. به این ترتیب

سهم مورد بحث در سال ۱۳۷۲ به ۱۶/۲۶ درصد رسیده است. اگر چنانچه رشد فعلی بدهی‌های کتای وری در کشور در دوره ۱۳۷۲-۱۳۶۸ بطور متوسط در سطح ۵۷/۵۷ درصد باقی ماند، لیکن این سهم در طول زمان تغییر قابل توجهی را نشان داده است.

الگوی توسعه بخش کتای وری نشان دهنده تعامیل برنامه‌ریزان کشور برای حفظ اقتصاد در سطح خود کفائی بوده و در عین حال دلالت بر تکیه بر توسعه صنعتی کشور دارد. صنعتی شدن بعنوان یک هدف باید دنبال گردد و توسعه کتای وری تنها در تامین احتیاجات مصرفی اقتصاد در سطح نهایی آن می‌تواند بعنوان هدف مورد توجه قرار گیرد. با توجه به این هدف تولید اقلام عمدتاً کتای وری به‌بهبود شایان توجهی را نشان داد و ماست و پنیر رشد تولید بسیاری از اقلام عمدتاً ز قبیل گندم و برنج از نسرخ برنامه‌ها افزایش یافته است. در برخی موارد مانند تولید گندم از نظر شایان توجه است. در مورد سایر اقلام دمای وری و تولید لبنیات نیز وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود. عملکرد کشور در مورد احیا و توسعه منابع طبیعی تجدیدپذیر در بسیاری از زمینه‌ها از پیش‌بینی برنامه‌ها و توسعه پنج‌ساله بهتر بوده است.

(مجموعه محرکتهای تولید نشان می‌دهد که تحولات زیادی در این دوره در اقتصاد کشور روی داده است. با وجود این هنوز جادارد که مکانات موجود بطرز شایسته‌تری مورد استفاده قرار گیرد. در این چارچوب است که تجارت خارجی می‌تواند بعنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی مسرود استفاده مبادودانش فنی مورد نیاز را در شبکه تولیدی اقتصاد کشور بومی سازد.

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که تجارت بین‌المللی هم بعنوان منبع عایدی مبادلات خارجی و هم بعنوان محرکی جهت افزایش تولید در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است. سیاست‌های خاصی در راستای آزادسازی اقتصادی بمنظور تسهیل فرآیند تجارت خارجی در کشور پذیرفته شده و سیاست جدید مبادله و تسهیل فرآیند تجارت، معامله تجار و سرمایه‌گذاران خارجی با ایران را امکان‌پذیر ساخته است. یکی از هدف‌های سیاست‌های جدید آن بوده که کشور را از وابستگی به صدور و رفتن خام بعنوان تنها منبع عایدی مبادله خارجی‌ها سازد. اگر چه هنوز

تا توفیق کامل سیاست متنوع سازی صادرات راه - درازی در پیش است با تحولات جدیدی می‌توان شاهد بهبود وضعیت در این زمینه بود.

صادرات غیر نفتی جمهوری اسلامی ایران که در سال قبل از برنامه اول توسعه پنج‌ساله به زحمت به بیش از یک میلیارد دلار می‌رسید در طول پنج سال گذشته بطوریکه افزایش یافته است و برآوردهای موجود نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۱ ارزش صادرات غیر نفتی کشور به حدود ۳ میلیارد دلار رسید. این افزایش در سال ۱۳۷۲ و مایه و گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که رشد سالانه صادرات غیر نفتی در آن سال بیش از ۳۳ درصد بوده است. گزارش‌های چهار ما اول سال ۱۳۷۳ میزان مشابهی از رشد سالانه را نشان می‌دهد. این امر نمایانگر تعامیل جمهوری اسلامی ایران برای گسترش روابط تجاری خود با جامعه بین‌المللی است. در مورد واردات نیز سعی ما بر آن بوده که در چارچوب برنامه اول توسعه پنج‌ساله عمل نمائیم. در حالی که نرخ رشد سالانه مورد نظر برای واردات در دوره ۱۳۷۲-۱۳۶۸ ۸۰/۲۵ درصد بوده، عملکرد چهار سال اول برنامه افزایش سالانه ۳/۲۴ درصد را نشان می‌دهد. در طول دوره برنامه، تغییر گسترده‌ای در میزان واردات وجود داشته است. کشور ما در سال ۱۳۶۷ تنها ۲/۸ میلیارد دلار کالا وارد کرد. این رقم در سال ۱۳۷۱ به حدود ۹/۲۹ میلیارد دلار رسید و در سال ۱۳۷۲ به ندرت کمی بیش از ۲ میلیارد دلار محدود شد. این روند کاهش تا به امروز ادامه یافته است. در طول این مدت ساختار واردات ما با هدف‌های برنامه متفاوتی داشته است. نرخ رشد واردات محصولات اساسی که قرار بود ۷/۱۸ درصد در سال باشد، تنها در سطح ۳/۴ درصد در سال باقی ماند که این امر بطور عمد ناشی از افزایش تولید داخلی محصولات کشاورزی است. از طرف دیگر، نسرخ سالانه واردات اقلام استراتژیک که قرار بود تا سطح ۳/۴ درصد کاهش یابد، افزایش سالانه‌های معادل ۳/۲۴ درصد را نشان داده است.

با توجه به طبقه‌بندی کالاهای وارداتی می‌توان دریافت که سهم فزاینده‌ای از واردات ما را کالاهای سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد. همین روند در مسرود واردات مواد خام و کالاهای واسطه‌ای نیز مشاهده می‌شود. آخرین آمارهای موجود نشان می‌دهد که

بیش از ۶۰ درصد واردات ما به شکل مواد خام و کالاهای واسطه‌ای بوده است. شاید بتوان از این تجزیه و تحلیل چنین نتیجه گرفت که ما در حال تطبیق ساختار وارداتی خود در جهت کاهش واردات کالاهای عملی و مصرفی به پایین‌ترین سطح ممکن و تمرکز بر وارد کردن دیگر اقلام مورد نیاز برای رشد مورد قبول کشور هستیم.

با وجود سیاست‌های مختلف، تراز تجاری کشور در دو سال اخیر کسری نشان داده است. میزان این کسری در سال ۱۳۷۰ به حدود ۶/۵ میلیارد دلار رسید. این رقم برای سال ۱۳۷۱ ۴/۲ میلیارد دلار بود. تراز سال ۱۳۷۲ بسیار مطلوب تر است. تحولات مورد بحث تا حدی به سیاست تجویز شد در برنامه اول توسعه پنج‌ساله مربوط می‌شود که به اقتضا اجازه می‌دهد در برخی مراحل جهت سرعت بخشیدن به توسعه اقتصاد و بهبود وضعیت بازپرداخت‌های سال‌های آتی از اعتبارات مالی خارجی استفاده نمائیم (با تمرکز بیشتر تلاش‌ها بر افزایش صادرات صنعتی باید توانایی پرداخت ما که در حال حاضر کم و بیش برپایه درآمد‌های نفتی قرار دارد، بطور قابل توجهی بهبود یابد.

نکته‌هایی در تحلیل تجارت خارجی موضوع بدیهی‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران است. برنامه اول توسعه مکان استفاده از منابع خارجی جهت سرعت بخشیدن به توسعه کشور را مدنظر قرار داد ما است. و شاید آنچه گران‌بهای اخیر را بوجود آورده، ساختار بدیهی‌های خارجی ما باشد. بیشتر بدیهی‌های خارجی ما کوتاه مدت بود و این امر نشان دهنده انتظار برنامه‌ریزان به بهبود وضعیت صادرات غیر نفتی در راستای برنامه توسعه است. بنا بر این بنظر می‌رسد که کشور ما استفاده از منابع درآمدت‌ترین‌ها نداشته باشد. آزادنگاه این هدف تحقق نیافت، مواردی از نارسائی‌های کوتاه مدت بروز کرد. ما امید داریم با افزایش صادرات غیر نفتی خود دیگر هیچ مشکلی در زمینه پرداخت‌ها نداشته باشیم. با درک این واقعیت که مسئولین جمهوری اسلامی ایران همواره تعهدات خود را محترم شمرده‌اند، مشکل پرداخت‌های کوتاه مدت نباید عاملی برای محدود کردن روابط تجاری فعلی ما با جامعه اقتصادی بین‌المللی باشد. تمام آنچه را که نیاز داشته‌ایم مذاکرات بیشتر برای

نجدید ساختار بد هیبا و فرصت بیشتر بمنظور
آماد سازی خود برای یک سیاست صادراتی
متنوع تر بود. تقریباً "همشهرکای تجاری دائمی ما
این نکته را دریافتند و جدا اکثر میزان همکاری نشان
دادند و بدون شک تمایل و تفاهم آنان در این
زمینه روابط دراز مدت تجاری و اقتصادی ما اثر
مطلوبی خواهد گذارد.

با شناخت نیاز به متنوع تجارت بین ما و کشورهای
دیگر جهان دولت جمهوری اسلامی ایران زمینه
سازیهایی اولیه برای فعال سازی مناطق آزاد را در نقاط
مختلف کشور انجام داده است. مناطق آزاد کیش،
قشم و جابهار نمونه‌های خوبی از مجموعه مناطق
آزاد موجود در کشورند. دولت آئین نامه‌های
اجرائی مناطق آزاد تجاری و صنعتی جمهوری
اسلامی ایران را تصویب نموده و در آئین نامه‌های
سالانه، قواعد کلی کار و تسهیلات فراهم شده
تبیین شده است.

قوانین خاصی نیز در رابطه با هر یک از مناطق وجود
دارد. همانطور که انتظار می‌رفت این مناطق نسبت
به کشورهای جمهوری اسلامی ایران از مقررات سهل‌تری
برخوردارند مقررات و قوانین زیر به کلیه مناطق آزاد
اختصاصی دارد:

— آئین نامه‌های سرمایه‌گذاری توسط شرکتهای
خارجی.

— آئین نامه‌های اجرائی برای فعالیتهای پولی و بانکی
مربوط به فعالیتهای موسسات مالی غیر بانکی که
می‌توانند تحت مالکیت بخش خصوصی به فعالیت
بپردازند.

— آئین نامه‌های اجرائی صادرات و واردات و آئین
نامه‌های گمرکی.

— مقررات مربوط به بهره‌برداری از زمین و دیگر منابع
متعلق به ایرانیان در طول دوره فعالیت در مناطق
آزاد.

— آئین نامه‌های اجرائی مربوط به استخدام نیروی
انسانی، مقررات بیمه و تامین اجتماعی در مناطق
آزاد.

— آئین نامه‌های اجرائی مربوط به هزینه‌های موضوعه
توسط مسئولین جمهوری اسلامی ایران در خصوص
فعالیت در مناطق آزاد.

— آئین نامه‌های اجرائی مربوط به صدور ویزا برای
اتباع خارجی جهت ورود به مناطق آزاد و شروع تجارت

و یا سرمایه‌گذاری در آن مناطق.

شرکای تجاری ما اکنون قادر خواهند بود محصل
سرمایه‌گذاری خود را در مناطق آزاد که از محیط
آزاد تری برای فعالیت برخوردارند و یاد رسایر نقاط
جمهوری اسلامی ایران انتخاب نمایند.

باز زمینه‌سازیهایی که صورت گرفته است، اولویت
تجارت از طرف ما به خوبی مشخص شده است. با وجود
این باید ذکر کرد که جمهوری اسلامی ایران هدف
ایجاد توازن تجاری با هر یک از شرکای خود را به عنوان
یک خط مشی دنبال می‌نماید و به همین دلیل انتظار
داریم شرکای تجاری جمهوری اسلامی ایران شناخت
بیشتری نسبت به محصولات ما پیدا کنند و به تجارت
با ما به دید یک معامله‌دهنده و جان‌نهبینگرند. همچنین
انتظار داریم شرکای تجاری ما با دیدی مادرجهت
گسترش درک خود از اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
تلاش نمایند و ما را در جهت افزایش تجارتمان با
آنها یاری رسانند. بررسی میزان صادرات غیر نفتی
ما به کانا‌دا نشان می‌دهد که فرس مهم‌ترین کالا بیسی
است که توسط وارد کنندگان کانا‌دایی خریداری
می‌شود. حدود ۹۴ درصد صادرات غیر نفتی ما به
کانادا در سال ۱۳۷۲ فرس بود ما است. این در حالی
است که صادرات غیر نفتی در کل کمتر از ۲۰ درصد
صادرات ایران را به کانا‌دا تشکیل داد ما است. با توجه
به این الگویی توان چنین نتیجه گرفت که ما با بسد
تلاش بیشتری را جهت آشنا ساختن وارد کنندگان
کانادایی با محصولات خود و بویژه محصولات تولیدی
میدول داریم. روند فزاینده صادرات نفت به کانا‌دا
بسر افزایش ارزش کسب
صادرات ما با ما بین کشورها شیر خواهد گذاشت.

بطور کلی، می‌توان گفت که با زار اختصاص یافته به
جمهوری اسلامی ایران با زار بسیار کوچکی است.
در مورد واردات از کانا‌دا تنوع کالاهای قابل توجه
است. طبق آخرین آمار در زمانها اول سال ۱۳۷۲،
بخش بزرگی از واردات ما از کشور کانا‌دا را گندم و
خدمات مهندسی تشکیل داد ما است. در این مدت
کانادا ۱۰۶/۱ میلیون دلار از ایران دریافت نموده
است.

بطور کلی، روابط تجاری بین دو کشور در دهه
گذشته توازن مثبتی بمنفع کانا‌دا داشته و در برخی از
سالها واردات ما چندین برابر بیش از صادرات بوده

است. تراز وارداتی مثبت روند فزاینده‌ای را در آغاز
سیاست آزاد سازی اقتصاد نشان داد ما است. با وجود
این، روند مورد بحث بتدریج تعدیل شده است.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران با توجه به
اهمیت جمهوریهای جدیدالتاسیس اتحاد شوروی
سابق از موقعیت مناسبی برخوردار می‌باشد و این امر
بدان معنی است که هر کشوری که ما بهل به گسترش فعالیت
تجاری و خدمت‌های خود با این جمهوریها سست
می‌تواند از اینها به خدمت‌های پهن‌تر برخوردار
شود. وضعیت کنونی ما این فرصت را می‌دهد تا به
شرکای تجاری خود جهت گسترش روابط اقتصادی
آنها با با زار بالقوهای که در فاصله بسیار نزدیکی
قرار دارد کمک کنیم.

با وجود تمام امکانات موجود، دلائل متعددی
برای وجود وضعیت فعلی می‌توان یافت که مهم‌ترین
آنها عبارتند از:

— وجود فاصله بسیار دور بین دو کشور
— ضعف علائق برای با زاری و ارزشمات
تجاری.

— فقدان همکاری بین بخش دولتی و بخش
خصوصی در رابطه با جریان اطلاعات.

— محصولات تولیدی ایران بمنحوش بسته به
بازارهای خارجی معرفی نشد ما ند بطوریکه بیشتر
شرکای ما هنوز ما را بعنوان یک کشور صرفاً صادرکننده
کالاهای اولیه می‌شناسند.

— محصولات ما برای پذیرش در بازارهای جدید
کاملاً "استاندارد نشد ما ند و بسته بندی کالاهای
تولیدی ما هنوز بمنحوش بسیاری نیاز دارد.

— ما تلاش کافی برای معرفی محصولات خود به بازار
کانادا میدول نداشته ایم و قوانین و مقرراتمان برای
شرکای تجاری و سرمایه‌گذاران بالقو ما کاملاً تبیین
نشده است.

البته، عوامل دیگری را میتوان برای وجود الگوی
بهبوده تجاری فیما بین دو کشور ذکر کرد و صادقانه
امید داریم که با تشکیل سمینارها و بیان مشکلات
بتوانیم به درک بهتری از خصوصیات و ویژگیهای
بازار و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران نائل گردیم

